نگاه

مریم زاهدی

مطالبات واقعی زنان پشت درهای ورزشگاه جا ماند!

بازی‌های جام‌جهانی بهانه‌ای شد که مطالبه دیرینه برخی از نمایندگان مجلس و فعالان حوزه زنان برآورده شود و پای زنان و دختران به استادیوم‌های ورزشی باز شود. تصاویر مختلفی از این رویداد در کنار گزارش موفقیت‌های تیم ملی مخابره شد تا به عنوان دستاوردی در حوزه زنان و خانواده معرفی شود.

حضور زنان و دختران در ورزشگاه‌ها اما در شرایط کنونی رونقی اقتصادی هم داشت و بلیت ورودی این ورزشگاه برای تماشای مسابقه فوتبال آن هم از طریق نمایشگرهای ورزشگاه به قیمت ۱۵ هزار تومان به فروش رسید. چند ده هزار نفری که برای تماشای فوتبال به ورزشگاه رفته بودند و بلیتش را خریده بودند اما نمی‌توانستند از قشر ضعیف جامعه و از میان زنان سرپرست خانوار یا دخترانی باشند که پدرانشان کارگرند و دستمزدهای حداقلی می‌گیرند. برای حضور در ورزشگاه آزادی و تماشای فوتبال و به‌خصوص برای بازگشت از این مکان نیاز به وسیله شخصی بود و طبعاً اقشار متوسط به بالا می‌توانستند تماشاگر بازی فوتبال ایران و پرتغال و سایر بازی‌ها در ورزشگاه آزادی باشند. همانطور که بلیت نمایش فوتبال در سینماهای کشور تا ۲۰ هزار تومان خرید و فروش می‌شد و خریداران این بلیت‌ها هم اقشار متوسط به بالا بودند. همچنان که بسیاری از تفریحات دیگر هم برای زنان و مردان از قشر متوسط و بالاست و اقشار ضعیف جامعه اعم از زن و مرد چندان مجالی برای تفریح ندارند؛ چه تماشای بازی فوتبال در استادیوم باشد و چه دیدن یک فیلم یا تئاتر خوب در یک مرکز فرهنگی مناسب. حالا که بسترهای حضور زنان در ورزشگاه‌ها برای تماشای بازی‌های مردان با نمایش مسابقات جام‌جهانی فوتبال آماده شده است و شاید در آینده‌ای نزدیک شاهد حضور بدون مانع زنان در ورزشگاه‌ها باشیم باز هم منویات قشر نازکی از جامعه فراهم شده است و اکثریت جامعه زنان آنقدر دغدغه دارند که به حضور در استادیوم و تماشای فوتبال نرسد.

به بیان دیگر تفریح هرچند یکی از ملزومات سلامت اجتماعی است اما درصد بالایی از اعضای همین جامعه اعم از زن و مرد آنقدر دغدغه نان دارند که به تفریح نرسد و مطالباتشان بسیار فراتر از حضور در ورزشگاه و دست زدن و هورا کشیدن است، اما صدای این قشر در غوغاسالاری برخی چهره‌ها و رسانه‌ها گم شده است و مسئولانی همچون نمایندگان مجلس شورای اسلامی برای سرپوش گذاشتن بر کم‌کاری‌ها به برجسته‌سازی موضوعات حاشیه‌ای می‌پردازند تا هم خودی نشان بدهند و هم وانمود کنند کاری انجام می‌شود.

حضور زنان در ورزشگاه‌ها هرچند بیش از آنکه مطالبه‌ای باشد وانمایی خواسته‌های برخی افراد و چهره‌ها بود که به این شکل و شمایل مطرح شد اما حالا در حال به ثمر نشستن است. در برابر این اما مطالبات واقعی زنان همچون بیمه زنان خانه‌دار، بازنشستگی پیش از موعد، رسیدگی به وضعیت زنان سرپرست خانوار و بسیاری از چالش‌های واقعی حوزه زنان همچنان مغفول مانده است. سؤال اصلی در این بین این است آیا اگر همانقدر که مسئولان و نمایندگان برای حضور زنان در استادیوم‌های ورزشی انرژی گذاشتند برای هر کدام دیگر از این مطالبات انرژی می‌گذاشتند محقق نمی‌شد؟ پاسخ این پرسش را شاید بتوان در این نکته پیدا کرد که حضور در ورزشگاه مطالبه اقشار مرفه است و مطالبات دیگر مربوط به اقشار ضعیف!

ویژه

جنبش زنان در امریکا

زنان امریکایی از زمان اقامت گزینی اروپاییان در امریکای شمالی در سده هفدهم تاکنون، دگرگونی شگفت‌انگیزی را پشت سر گذاشته‌اند. آنها از جایگاه شهروندان درجه دوم، تقریباً فاقد هرگونه حقوق سیاسی یا اجتماعی، به لحاظ قانونی به برابری تقریبی با مردان ارتقا یافته‌اند. برخی از زنان، به کارهایی چون آموزگاری، سرپرستی یا مددکاری اجتماعی پرداختند. این امر به آنها اجازه داد که برای خود در بازار کار جا باز کنند. پیشروی آهسته اما پیوسته آنها به سوی برابری را غالباً «جنبش زنان» می‌نامند.

کتاب «جنبش زنان در امریکا» نوشته دان نارد و (Don Nardo) از سری کتاب‌های تاریخ جهان، درباره تاریخ و پیشرفت اجتماعی زنان است.

پیش از کتاب جنبش زنان در امریکا (The womens movement) تقریباً هیچ کتاب یا مقاله‌ای وجود نداشت که به بازگویی تلاش‌ها و دستاوردهای زنان امریکایی به درجه یک طبقه اجتماعی پرداخته باشد. همچنین به طور اجمالی به تحول آموزش زنان امریکایی پرداخته می‌شود.

کتاب صوتی جنبش زنان در امریکا شش فصل دارد که به ترتیب عبارتند از: «آزمون دشوار نخستین زنان امریکایی»، «زنان می‌آموزند چگونه سازمان یابند»، «راه دراز به سوی صندوق رأی»، «پیدایش زن اجتماعی جدید»، «خواست فزاینده برابری جنسیتی» و «تلاش پیگیر برای منزلت اجتماعی و حقوق».

در قسمتی از کتاب جنبش زنان در امریکا می‌خوانیم:

در دوران بحران، از میلیون‌ها زنی که جزو طبقه متوسط به حساب می‌آمدند، عده کمی شغل نیمه‌وقت یا تمام‌وقت داشتند. دیگران مرتب در پی کار بودند اما نمی‌توانستند کاری پیدا کنند. تعصب جنسیتی در هر دوی این گروه‌ها تأثیر می‌گذاشت. برخی بی‌جهت گمان می‌کردند کار کردن زنان مشاغل را از دسترس مردان خارج می‌کند و آنها بیکار می‌مانند و نمی‌توانند خانواده خود را تأمین کنند. به سبب چنین تبعیضی، در نیمه دوم دهه ۱۹۳۰، ۶۳ درصد شرکت‌های خدمات عمومی، ۶۵ درصد بانک‌ها و ۸۴ درصد شرکت‌های بیمه از استخدام زنان خودداری کردند. نورمن کازینز، روزنامه‌نگار مشهور، از روی نادانی به خود می‌بالید که برای اقتصادی بیمار یک راه درمان سریع دارد و به طعنه می‌گفت: «خیلی ساده است: زنان را که به هر صورت نباید کار می‌کردند، اخراج کنید و مردان را استخدام کنید! خیلی سریع! نه بیکاری باقی می‌ماند، نه پرداخت اعانه و نه بحران اقتصادی...»

پیشگفتار این کتاب «تلاش در راه رؤیای امریکایی» است. در فصل اول: آزمون دشوار نخستین زنان امریکایی، به همراه ضمائم آمده است و فصل دوم: زنان می‌آموزند چگونه سازمان یابند و در فصل سوم: راه دراز به سوی صندوق رأی است. فصل چهارم: پیدایش زن اجتماعی جدید و فصل پنجم: خواست فزاینده برابری جنسیتی است که به ریشه‌های شکل‌گیری این ماجرا پرداخته است. فصل ششم: تلاش پیگیر برای منزلت اجتماعی و حقوق است. در هر فصل ضمایمی متناسب با محتوای آن پیوست شده تا خواننده را با خود همراه کند و مطالب کتاب را مستند نماید.

گزارش یک

زهرا چیذری

تنهایی زنانه در قفس زندگی مجردی

جدا شدن از خانواده برای تحصیل نخستین سنگ‌بنای زندگی‌های مجردی است

نمی‌داند از کی تصمیم گرفت خودش به تنهایی یک خانواده باشد! شاید نخستین بار زمانی که دانشگاه قبول شده بود و باید به غربت می‌رفت تا ادامه تحصیل بدهد و دانشجو بشود زندگی مجردی حتی در تصورش هم نمی‌گنجید. فکرش را هم نمی‌کرد روزی برسد بدون حضور پدر و مادر خانواده تصمیم بگیرد تا خودش باشد و خودش و خانه‌ای که تنهایی‌اش را پشت دیوارهایش پنهان کند و نام خانه تنهایی‌اش را بگذارد «زندگی مجردی»؛ اما پس از تحصیل و چند سال دوری از خانه و خانواده نخستین گام را برای جدایی از آنها برداشت به‌خصوص وقتی از گردونه ازدواج خارج شد. حالا او ناگزیر است خودش یک خانواده باشد؛ خانواده‌ای تک‌نفره!

افزایش زندگی مجردی در میان زنان به چالشی جدی در کشور تبدیل شده است. آنطور که معاون مرکز آمار ایران می‌گوید با افزایش خانوارهای تک‌نفره مواجهیم و مهم‌ترین دلیل این پدیده هم بالا رفتن تعداد افراد مجرد در کشور است. علیرضا زاهدیان می‌افزاید: طی ۳۰ سال آینده جمعیت سالمند ایران رو به افزایش است و به بحران تبدیل می‌شود.

با وجود این تنها عامل بالا رفتن تعداد خانواده‌های تک‌نفره و رواج زندگی مجردی در بین زنان کشورمان ازدواج نکردن دختران و عبور آنها از سن ازدواج نیست بلکه بخش مهمی از زنانی که مجردی زندگی می‌کنند یا سرپرست خانوار هستند را زنان مطلقه تشکیل می‌دهند.

■ زنان نوک پیکان تهدید زندگی مجردی

هنوز هم به‌رغم تمام تغییرات ارزشی و فرهنگی رخ داده در جامعه اما زندگی مجردی به‌خصوص برای دختران در فرهنگ ایرانی چندان پذیرفته نیست. این رویه در برخی کلانشهرها و به تعداد محدودی وجود دارد اما برخی معتقدند این پدیده رو به افزایش است و میزان آن زنگ خطری برای کانون خانواده است. فاصله گرفتن خانواده ایرانی از موقعیت سنتی خود در دهه‌های اخیر، با تبعیت از الگوهای غربی، تغییرات مهمی ازجمله موارد زیر را در شکل‌گیری و نحوه تداوم این نهاد اجتماعی ایجاد کرد؛ معاشرت‌های قبل از ازدواج، تغییر الگوی همسرگزینی و گرایش به برون‌همسری و ازدواج با غیر بستگان و خویشاوندان، تغییر در ساختار هرم قدرت در خانواده، تضعیف روابط خویشاوندی و احساس تنهایی خانواده و تغییرات وسیع در سبک زندگی و شیوه‌های آن تنها بخشی از تغییرات گسترده‌ای است که به سمت و سوی تضعیف نهاد خانواده پیش می‌رود و در این میان نوک پیکان این تهدیدات به سمت و سوی زنان و دختران نشانه گرفته شده است.

■ افزایش سن ازدواج و طلاق عامل زندگی مجردی

گرایش‌ها به سمت و سوی زندگی مجردی به‌خصوص از سوی زنان و دختران چالش‌برانگیز شده است.

سلمان خدادی عضو کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی هم درباره رواج زندگی مجردی در کشور و به‌خصوص درباره زنان هشدار می‌دهد و می‌افزاید: «متأسفانه تشویق به زندگی مجردی و تنهازیستی در میان خانواده‌های متدین و مذهبی نیز دیده می‌شود.»

خدادادی با بیان وجود ۲ میلیون و ۸۰۰ هزار زن سرپرست خانوار در کشور، تأکید می‌کند: «این زنان به دلیل فوت همسر یا طلاق تنها زندگی می‌کنند؛ در واقع سالانه ۱۷ هزار نفر در سنین ۲۵ تا ۳۲ جان خود را در تصادفات رانندگی از دست می‌دهند و با فوت این ۱۷ هزار نفر زندگی زنان و فرزندان زیادی تحت تأثیر قرار می‌گیرد.»

نماینده مردم ملکان در مجلس دهم معتقد است: «مطلقه‌ها، زنان سرپرست خانوار، مجردهای سن بالا و افرادی که تمایلی به ازدواج ندارند افرادی هستند که به تنهازیستی روی آورده‌اند.»

این عضو کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی با بیان اینکه آسیب‌های اجتماعی ناشی از زندگی مجردی در حال افزایش است، درباره آین آسیب‌ها می‌گوید: «مهم‌ترین آسیب‌های زندگی مجردی، پیری جمعیت، افزایش سن ازدواج و کاهش ازدواج است.»

■ چالش‌های ثانویه زندگی مجردی

خدادادی با اشاره به آمارهای افزایش زندگی مجردی در میان زنان کشور تأکید می‌کند: «سن ازدواج نیز در حال افزایش است؛ متأسفانه تمایل جوانان به تنهازیستی و افزایش سن ازدواج جمعیت کشور را به سمت پیری سوق داده و از سویی در ۲۱ استان کشور جمعیت خانواده‌های تک‌فرزندی بیشتر از خانواده‌های دوفرزندی است.»

وی نسبت به اینکه جمعیت کشور به صورت غیرمنطقی در حال پیشروی به سمت پیری است، هشدار می‌دهد و خاطرنشان می‌کند: «در ۲۵ سال آینده با بحران نیروی انسانی مواجه خواهیم شد. این در حالی است که اروپا طی ۱۰۰ سال به این بحران می‌رسد.»

فاصله فرزندآوری که در گذشته سه تا پنج سال بود در حال حاضر در حال افزایش به هفت سال است و این زنگ خطری جدی است زیرا شاخص‌های توسعه‌یافتگی دنیا بر اساس منابع انسانی صورت می‌گیرد و به طور قطع اگر ما به این سمت و سو پیش برویم کشور با چالش‌های اساسی روبه‌رو می‌شود.

■ ریشه‌یابی زندگی مجردی

ریشه‌های گرایش به زندگی مجردی و تنهازیستی در میان زنان و دختران را اما باید در جای دیگری جست‌وجو کرد. دکتر ایرج وثوق، جامعه‌شناس بر این باور است که دختران به بهانه ادامه تحصیل از شهر و خانواده خود جدا می‌شوند و این اولین قدم در روی آوردن به زندگی مجردی در سال‌های بعد است. به اعتقاد وی بهترین الگوی استقلال دختران جوان در ایران، استقلال در سایه نظارت خانواده و حمایت آنها با در نظرگرفتن حقوق فردی دختران است.

محمد زاهدی اصل، رئیس سابق انجمن مددکاری کشور معتقد است افزایش سن ازدواج باعث می‌شود جوانان احساس کنند سربار خانواده‌های خود هستند به همین دلیل است که به زندگی مجردی روی می‌آورند.

این تمایل جوانان به هر دلیلی که باشد این روزها بیش از پیش افزایش یافته و در حال مواجه شدن با مشکلی به نام زندگی‌های مجردی در کشور هستیم. این امر به طور حتم باعث افزایش انحراف‌های اجتماعی نیز می‌شود.

وی ازدواج را راهکاری برای کاهش این مشکل می‌داند و تسهیل شدن این امر مقدس را از مسئولان امر خواستار است.

صرف‌نظر از اینکه از کی و کجا تصمیم گرفت تا مجردی زندگی کند اما حال گاهی وقت‌ها خیلی احساس تنهایی می‌کند و احساس می‌کند دیگر وجودش برای کسی مهم نیست. آنقدر احساس تنهایی می‌کند که بارها و بارها با خودش فکر می‌کند چه شد تصمیم گرفت تا تنها زندگی کند و قرار است خانه تنهایی‌اش کی ویران شود.

> **تغییرات وسیع در سبک زندگی و شیوه‌های آن تنها بخشی از تغییرات گسترده‌ای است که به سمت و سوی تضعیف نهاد خانواده پیش می‌رود و در این میان نوک پیکان این تهدیدات به سمت و سوی زنان و دختران نشانه گرفته شده است**

گزارش ۲

کبری فرشچی

ردپای مردان در اعتیاد زنان!

با دست‌های لرزان پایپش را پر می‌کند. نیم‌نگاهی به پایپ دارد و نیم‌نگاهی به کودکش که کمی آن‌سوتر در خواب ناز فرورفته است. حسابی خمار است و به تنها چیزی که فکر نمی‌کند آینده خودش و فرزندش است. آینده‌ای که خودش و همسرش در حال نابود کردن آن هستند، درست از لحظه‌ای که در کنار هم قرار گرفتند و به جای همراهی در زندگی در مصرف موادمخدر همراه شدند. یادش نمی‌رود اولین باری که مزه موادمخدر را چشید با تعارف و اصرار همسرش بود.

آنطور که اغلب کارشناسان از جمله ربابه نوری قاسم‌آبادی روانشناس بالینی و دانشیار دانشگاه خوارزمی می‌گویند «بیشتر زنان در ارتباط با مردانی که مصرف‌کننده مواد یا معتاد هستند، به اعتیاد روی می‌آورند.»

■ گم شدن مادرانه‌ها در دود و خماری

زنانی که معتاد می‌شوند اغلب نقش‌های دیگری دارند که اعتیادشان موجب بروز چالش‌های جدی در دیگر نقش‌ها خواهد شد؛ نقش‌هایی همچون مادری و همسری. و درست همین ماجرای اعتیاد زنان است که پدیده‌هایی همچون خرید و فروش نوزادان را توجیه می‌کند.

قاسم‌آبادی پیامد اعتیاد زنان را بسیار سنگین‌تر و وخیم‌تر از مردان می‌داند و می‌افزاید: «معمولاً مردان، مصرف موادمخدر را از مواد سبک شروع می‌کنند و بعد به مواد سنگین‌تر روی می‌آورند ولی زمانی که یک زن همراه این افراد شروع به مصرف می‌کند، از همان ماده مصرفی مردان استفاده می‌کند که در نتیجه اولین مواد مصرفی زنان جزو مواد سنگین محسوب می‌شود.»

قاسم‌آبادی به تحقیقاتی اشاره می‌کند که نشان می‌دهد سرعت و میزان وابستگی به موادمخدر در زنان شدیدتر از مردان است؛ زنان در مقایسه با مردان در زمان مشخص و یکسان، سریع‌تر و شدیدتر وابسته به موادمخدر می‌شوند و در نتیجه پیامد اعتیاد نیز برای آنان سنگین‌تر می‌شود.

■ تفاوت‌های زنان معتاد با مردان معتاد

از نگاه پژوهشگران اعتیاد زنان به لحاظ جنسیتی، تفاوت‌های اجتماعی زیادی با مردان دارد. قاسم‌آبادی هم در این باره معتقد است: «یک مرد معتاد در نهایت اگر از خانواده رانده شود، بی‌خانمان می‌شود، ولی برای زنان چنین نیست و در صورت حمایت نشدن از سوی خانواده، به سرعت مورد تجاوز قرار می‌گیرند یا برای تأمین مخارج مواد، به خودفروشی روی می‌آورند که احتمال ابتلای به ایدز و سایر بیماری‌های عفونی و آمیزشی در آنان افزایش می‌یابد.»

وی درخصوص آسیب‌هایی که فرزندان مادران معتاد به آنها گرفتار می‌شوند، نیز تصریح می‌کند: «زمانی که مادری به مصرف مواد روی آورد، به احتمال بسیار زیاد، فرزند او هم قربانی انواع آزارهای جنسی و جسمی و درنهایت ابتلا به بسیاری از مشکلات و اختلالات روانی می‌شود.»

این روانشناس بالینی در این مورد توضیح می‌دهد: «فرزندان مادران مصرف‌کننده مواد، بسته به نوع مواد و شدت وابستگی مادر دچار مشکلات شناختی و اختلال یادگیری و ابتلای به بیش‌فعالی و نقض توجه می‌شوند و باید متناسب با نوع و شدت مواد مصرفی مادر، مراقبت‌ها و حمایت‌های جانبی از این فرزندان صورت گیرد.»

■ اقدامات انجام شده

فاطمه عباسی، رئیس مرکز توسعه پیشگیری و درمان اعتیاد بهزیستی اما درباره اقداماتی که برای درمان زنان معتاد انجام گرفته یا در دست اجراست اینگونه توضیح می‌دهد: ۱۰ درصد از جمعیت ۲ میلیون و ۸۰۰ هزار نفری معتادان در کشور، زنان هستند. برنامه پیشگیری از اعتیاد را در بحث زنان و کودکان در اولویت قرار داده‌ایم به طوری که ۱۰ درصد از مراکز درمان را ویژه زنان اختصاص داده‌ایم.

وی می‌افزاید: «شش مرکز مخصوص کودکان معتاد و دو مرکز مادر و کودک وجود دارد که این امکان را فراهم می‌کند مادران معتاد و فرزندانشان در کنار یکدیگر حضور داشته باشند. همچنین ۱۲۶ مرکز میان‌مدت اقامتی در حوزه اعتیاد داریم که در این مراکز، سرپناه و مراکز DIC ویژه زنان معتاد خیابانی را ایجاد کرده‌ایم.»

عباسی با اشاره به وجود ۳۴۶ مرکز مداخله در بحران و وجود اورژانس اجتماعی با شماره ۱۲۳ می‌گوید: «بهزیستی در کنار مراکز حضوری، با هدف ایجاد عدالت و مداخله بهنگام، خط مشاوره تخصصی ۱۴۸۰ و خط مشاوره تلفنی اعتیاد ۰۹۶۲۸ را ایجاد کرده است.»

رئیس مرکز توسعه پیشگیری و درمان اعتیاد بهزیستی با بیان اینکه خدمات این سازمان عمومی است و به زنان و مردان داده می‌شود، تصریح می‌کند: «نگاه جنسیتی نداریم، اما در تماس‌های تلفنی بیشتر زنان هستند که تماس می‌گیرند.»

> **معمولاً مردان، مصرف موادمخدر را از مواد سبک شروع می‌کنند و بعد به مواد سنگین‌تر روی می‌آورند ولی زمانی که یک زن همراه این افراد شروع به مصرف می‌کند، از همان ماده مصرفی مردان استفاده می‌کند که در نتیجه اولین مواد مصرفی زنان جزو مواد سنگین محسوب می‌شود**

یادداشت

محمدمهدی نیک‌ضمیر

پارادوکس‌های مدیریت جدید شهری برای جایگاه زنان

یکی از موضوعاتی که با حضور مدیریت شهری جدید مورد تأکید تیم جدید قرار گرفت، تصریح بر استفاده از ظرفیت زنان و جوانان در پست‌های مدیریتی بود.

بررسی واقعیت موجود اما بیانگر آن است که گرچه انتقادات سویه‌مند از مدیریت قبلی شهری مطرح بود اما تیم جدید در شهرداری تهران مسئله زنان و مطالبات آنان را در یک مدار معکوس دنبال کرده و ابراز نظر و دیدگاه برای برابری جنسیتی و اعمال دیدگاه‌های زنان در تصمیم‌سازی‌های شهری و اجتماعی را به حاشیه رانده است. به عبارت دیگر، اصلاح‌طلبانی که تا دیروز از زنان و برابری جنسیتی سخن می‌گفتند خود هم اکنون دایره بسته‌تری را شکل داده و محدودیت‌های مهندسی‌شده‌تری نسبت به زنان دنبال می‌کنند.

در این میان برای وضوح بیشتر ماجرا باید تأکید داشت که لایه‌هایی از مدیریت شهری در ابتدای امر خواست و مطالبه زنان را به حضور زنان در عرصه مدیریت و بی‌توجهی به نیمی از جمعیت تهران در مقایسه با مردان تقلیل داده و کلیشه حضور زنان در معاونت‌ها و پست‌ها را گرچه بزرگنمایی کردند اما روح جاری کردن دیدگاه‌های زنان در تصمیم‌سازی‌ها را عملاً مسدود کرده‌اند.

اگر در مدیریت گذشته شهری جایگاه مشاور امور زنان در شهرداری تثبیت شده و هر شهردار منطقه‌ای دارای مشاور امور زنان بود اما در مدیریت جدید گرچه یک پست معاونت برای زنان در برخی امور کارکردی خاص تعریف شده اما جایگاه مشاور امور زنان در مرکز و در مناطق جمع‌آوری شده و با دستورالعمل جدید و در چارچوب چابک‌سازی به تاریخ پیوسته است.

در این زمینه و در شرایطی که زنان در جایگاه امور مشاوره در سطح مناطق تهران عضو شورای برنامه‌ریزی نیز بودند اما هم‌اکنون مدیریت شهری با حذف محترمانه زنان سیاست دیگری را برگزیده است. در این خصوص باید گفت پیش از این مشاوران زن در سطح مناطق ضمن حضور در شورای برنامه‌ریزی علاوه بر رصد وضعیت زنان هر منطقه، تعامل با آنها و ارائه تحلیل از شرایط موجود را دنبال کرده و از جانب دیگر به عنوان عضو شورای برنامه‌ریزی هر منطقه می‌توانستند نگرش جنسیتی مبتنی بر جاری‌بودن نگاه بر تعیین راهکارهای برنامه‌ای برای توجه به مسائل زنان در متن شهر را وارد حوزه‌های برنامه‌ریزی کنند. ولیکن آنچه اکنون اتفاق افتاده فضای متفاوتی را ترسیم کرده است. نه‌تنها مشاور امور زنان شهردار دیگر پستی ندارد، بلکه در مناطق بیست‌ودوگانه نیز این جایگاه حذف شده، با این وعده که هر یک از شهرداران یکی از معاونان خود را از میان زنان انتخاب کند، ضمن اینکه آنها دیگر حق رأی در شورای برنامه‌ریزی را ندارند.

این اتفاق در حالی صورت پذیرفته که هم‌اکنون اکثر جامعه‌شناسان و فعالان در حوزه آسیب‌های اجتماعی تأکید دارند که آسیب‌های اجتماعی در کلانشهر تهران به سمت زنانه شدن رفته و در برخی از آسیب‌ها زنان محور اصلی را به خود اختصاص می‌دهند اما مشاوره‌گیری در این رابطه از دیدگاه‌های زنان تهی شده است.

در مجموع اما با توجه به این موضوع می‌توان گفت:

- مسئله زنان و مطالبات آنان نشان داده که همچنان به عنوان یک پروژه سیاسی برای جریان‌های سیاسی محسوب می‌شود
- اربابان خط و ربط سیاسی در حال تقلیل‌گرایی خواست زنان به تصاحب پست سیاسی منهای تأثیرگذاری در تصمیم‌سازی‌ها هستند
- عدم درک زنانه شدن آسیب‌های اجتماعی و عدم دخالت دادن دیدگاه‌های قشر زنان در تصمیم‌سازی‌ها برای این آسیب‌ها ابتر و اقطع شدن سیاست‌های اصولی برای درمان‌های اصولی را در پی خواهد داشت
- به رغم ادعای موجود به نظر می‌رسد مدیریت شهری جدید باید با اولویت‌بخشی ترمیم ساختار حوزه زنان و خانواده در شهرداری نیمی از ظرفیت انسانی شهر را به عنوان یکی از مؤلفه‌های توسعه پایدار در تمام احکام برنامه‌های خود لحاظ کند.

گزیده

■ مدیرکل امور بین‌الملل معاونت امور زنان خانواده ریاست جمهوری گفت: «حساسیت را در همه مراکز نسبت به خشونت علیه زنان بالا بردیم که اگر اطلاعی در این زمینه مشاهده شد، آن را ثبت کنند اما به دلیل مسائل فرهنگی، برخی افراد به ثبت آمار علاقه‌ای ندارند.»

لیلا فلاحتی، مدیرکل امور بین‌الملل معاونت امور زنان خانواده ریاست جمهوری تأکید کرد: «به رغم ایجاد ساختارهای مختلف برای ثبت خشونت علیه زنان در نهادهایی مانند وزارت کشور، وزارت بهداشت و تشکل‌های مردمی، چالش‌های عمده‌ای در زمینه آمار خشونت علیه زنان داریم که مربوط به مسائل فرهنگی می‌شود.»

■ سرپرست دادسرای امور جنایی تهران با اشاره به اینکه همسرکشی دلایلی چون خیانت، اختلاف و طلاق عاطفی دارد، گفت: «در کنار این عوامل زنان با توجه به اینکه یا ناتوان از احقاق حقوق خود هستند یا این احساس را دارند که از حمایت کافی قانون برخوردار نیستند اقدام به قتل همسر خود می‌کنند.»

محمد شهریاری تأکید کرد: «آنچه مهم است توجه به این است که در این میان حس انتقام‌جویی در زنان همسرکش در موارد خیانت تبلور بیشتری دارد. عدم درک صحیح زوجین از ازدواج و تصمیمات احساساتی، عدم اعتماد، تداوم اختلافات و نهایتاً عدم وجود یک میانجی مناسب از جمله عوامل اجتماعی این پدیده است.»

در هر صورت توجه ویژه به این پدیده با توجه به گسترش آن و فعال شدن نهادهای ذی‌ربط در این خصوص امری مؤثر در پیشگیری از این بزه است.

■ انوشیروان محسنی بندپی، رئیس سازمان بهزیستی کشور اظهار کرد: «در حال حاضر ۶۵ درصد پرسنل سازمان بهزیستی کشور را زنان تشکیل می‌دهند و خدمات تخصصی در حوزه مشاوره و حمایت‌های اجتماعی را به جامعه هدف بهزیستی ارائه می‌کنند.»

وی در ادامه تصریح کرد: «بر اساس قانون برنامه ششم توسعه، بهزیستی مکلف به افزایش خدمات خود در حوزه اجتماعی شده و اثربخشی خدمات مشاوره دلیل افزایش این قبیل خدمات است.»

■ رئیس سازمان ثبت اسناد و املاک کشور گفت: «در سه ماهه امسال ۳۹ هزار و ۹۶۷ واقعه طلاق با کاهش ۳ درصدی نسبت به مدت مشابه سال گذشته در دفاتر رسمی طلاق کشور به ثبت رسیده است.»

تویسرکانی تصریح کرد: «بیشترین رشد ازدواج به ترتیب مربوط به استان‌های لرستان، کرمانشاه، سیستان و بلوچستان و چهار محال و بختیاری به ترتیب با رشد ۱۳، ۱۱، ۹ و ۸ درصد و بیشترین کاهش طلاق طی سه ماهه سال ۹۷ مربوط به استان‌های قزوین، کرمانشاه، مرکزی و لرستان به ترتیب با منفی ۱۴، ۱۰، ۹ و ۹ درصد بوده است.»

■ معاون امور زنان و خانواده ریاست جمهوری از ساماندهی پوشش بانوان ورزشکار، با حمایت وزارت ورزش و جوانان ساماندهی خبر داد.

معصومه ابتکار درباره مناسب‌سازی پوشش بانوان ورزشکار در تمام رشته‌ها و اینکه آیا هماهنگی‌های لازم برای اجرای این طرح انجام شده است، توضیح داد: «کار اصلی برای مناسب‌سازی و ساماندهی را وزارت ورزش و جوانان انجام می‌دهد و معاونت زنان و خانواده ریاست جمهوری هرجا لازم باشد، از این طرح حمایت می‌کند.»

وی با بیان اینکه برای ساماندهی لباس بانوان ورزشکار، هماهنگی‌های لازم صورت گرفته است، اظهار داشت: «اگر برای اجرای این طرح به هماهنگی بیشتر با معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری نیاز است، آمادگی لازم در این زمینه وجود دارد تا هرچه زودتر لباس بانوان ورزشکار ساماندهی شود.»